

فاطمه سلحشور

دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد

f.salahshour2011@gmail.com

یاسر حمزوی دانشجوی دکترای مرمت آثار تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان

yaserhamzavi99@gmail.com

دکتر مریم محمودی استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

mahmoodi75@yahoo.com

بررسی کتیبه‌ای تاریخی در مسجد جامع یزد و معرفی شاعر سراینده آن

چکیده:

در قسمت ورودی شرقی مسجد جامع کبیر یزد دهلیزی با پلان مربع به مساحت تقریبی 50 متر مربع وجود دارد که در حاشیه مستطیل شکل دور زیر سقف آن کتیبه‌ی شعری عربی به رنگ آبی و خط ثلث بر روی گچ در بازده بیت، مورخ به سال 777 هجری نقاشی شده است. این کتیبه به علت گذشت زمان ساییده شده و قسمت‌هایی از متن آن از بین رفته است. ایرج افشار، با استناد به کتاب‌های تاریخ جدید یزد و جامع مفیدی، از کتب تاریخی قرن نهم هجری که فقط به مطلع قصیده اشاره کرده‌اند، آن را منسوب به سید حسن متکلم می‌داند. و محمد تقی دانش پژوه در مقاله‌ی ای آن را منسوب به شرف الدین بغدادی دانسته است. اما این محققین عنوان می‌کنند که در جایی متن کامل این قصیده را منتسب به متکلم ندیده‌اند. در این مقاله سعی شده با توجه به متن باقیمانده از کتیبه، شعر کامل و شاعر آن مشخص شود. پس از بررسی‌های انجام شده، مشخص شد، این شعر قسمتی از قصیده‌ی عربی 55 بیتی منتسب به سید حسن غزنوی شاعر پرآوازه قرن ششم هجری است که آن را در مدح و ستایش پیامبر اکرم سروده است و ده بیت از آن قصیده با متن ده بیت باقیمانده از کتیبه همخوانی دارد.

کلید واژه‌ها: کتیبه نقاشی دهلیز شرقی مسجد جامع کبیر یزد، حسن متکلم، سید حسن

غزنوی، شرف الدین بغدادی

مقدمه

انسان موجودی است به دنبال زیبایی که در این راستا عنصر زبان را با زیبایی آمیخت و اشعار را پدید آورد. کتیبه‌های حاوی اشعار نیز از عناصر هنرمندانه و تزیینات زیبا در معماری اسلامی و انتقال دهنده معانی و مفاهیم و انعکاس دهنده شرایط تاریخی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی زمان نگارش خود هستند. بررسی اشعار این کتیبه‌های تاریخی می‌تواند رمزگشا و تکمیل کننده نقاط مبهم در تاریخ ادبیات و معرفی کننده شعرای درباری و مشهور اعصار مختلف باشد و در جمع آوری دیوان شعرای گمنام و تصحیح بهتر نسخ خطی به کار رود. در این راستا قصیده ای عربی دهلیز شرقی مسجد جامع یزد که قسمت هایی از آن به دلیل گذشت زمان از بین رفته است، انتخاب شد و با توجه به مطالعاتی در حیطه تاریخ و ادبیات شاعر و شعر کامل آن مشخص گردید.

کتیبه اسم و واژه عربی است و در اصطلاح معماری به نوشته یا نقوشی گفته می‌شود که بر روی اجزای بنا مانند سنگ و مصالح تاریخی از جمله آجر، چوب، کاشی و گچ نوشته می‌شود و عموماً محل نگارش آنها در بنا در حاشیه دور سر در عمارت‌ها یا دیوار مساجد، مقبره‌ها یا بقاع متبرک می‌باشد^۱. کتیبه‌ها حاوی اطلاعاتی هستند که در انتقال افکار و اندیشه از نسلی به نسل دیگر نقش بسزایی دارند^۲ و از کنار هم قرار گرفتن خط و نقش به دست می‌آیند، موضوع این کتیبه‌ها در دوره‌ی اسلامی می‌تواند آیه‌های قرآن، وادعیه و احادیث و نام ائمه و مدح و ثنای بانیان بناها و اشعار حکیمانه فارسی و عربی با درون مایه مذهبی و فرمان‌های تاریخی و تاریخ ساخت اثر و... باشد^۳. اغلب در نگارش کتیبه‌ها از خطوط کوفی، نسخ، ثلث، نستعلیق، طغری و ریحان استفاده شده است.

مسجد جمعه قدیم یزد از جمله بناهایی است که امیر علی گرشاسب که او را علاالدوله می‌گفتند و از دودمان آل بویه، است، بر جای آتشکده عصر ساسانی ساخت. قسمت‌های زیادی از آن، بجز دیواری که در پشت مسجد جامع جدید باقی مانده، از بین رفته است. سید رکن الدین محمد بن نظام حسینی یزدی، در سال 724 هجری قطعه زمینی را که در اطراف مسجد جامع قدیم بود، خریداری نمود و طرح مسجد جامع جدید را ریخته و بنیان اصلی آن را بنا نهاد و قبل از اتمام ساخت مسجد در سال 732 هجری در گذشت و شرف الدین علی یزدی بر حسب وصیت او مبادرت به اتمام مسجد نمود^۴. «در سال 777 هجری شاه یحیی بن مظفر بفرمود که از موقوفات مسجد و اموال خاصه خود درگاهی و جماعتخانه ای برابر مسجد عالی بساختند و درگاه تمام از خشت پخته کرد. .. مولانا ضیاءالدین محمد، معمار آن بود»^۵؛ که کتیبه مذکور در آن درگاه قرار دارد.

1- متن کتیبه:

در قسمت ورودی شرقی مسجد جامع کبیر یزد در دهلیزی با پلان مربع به مساحت تقریبی 50 متر مربع کتیبه ای به خط ثلث در حاشیه زیر سقف آن به رنگ آبی و بروی گچ و به تاریخ 777

هجری نوشته شده است.^۶ در گذشته قرائت‌هایی از این کتیبه شده که در کتاب یادگارهای یزد آورده شده است. اما آنچه در سال 1388 و پس از مرمت این کتیبه از آن استخراج شده به شرح زیر است.

ضلع جنوبی

سلام كالطاف الاله الممجد سلام كاخالق النبی المومئید
سلام كتسلیم ال ال ذا...ال...م.....
سلام كالحا. العنادل. يجاوبها. .. الحمام المغرد
کتیبه ضلع شرقی:

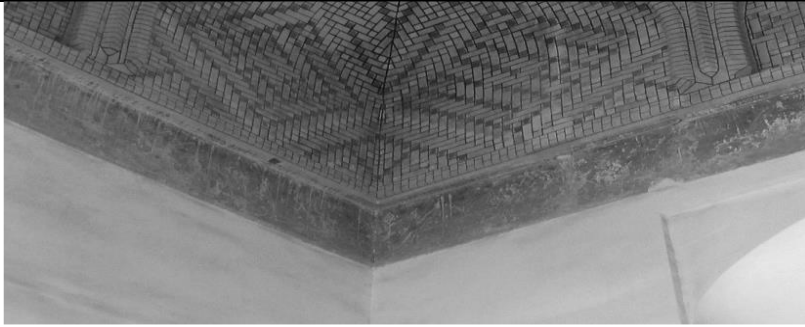
سلام كمثل الصدع يلهوبه الصا ص.....ا.....
.....

على تلقى من حكمه اى حكمه على من ترقى مصعداً اى مصعد
کتیبه ضلع شمالی:

على من لجراه الخلائق اوحدر و لو لم يكن ما كان شى. ليدى ... ى
..... العلى و البقر
على من له عيسى ابن مريم حاجب على من به موسى ابن عمران مقتدى
کتیبه ضلع جنوبی:

امام جميع المسلمين مطهر رسول اله العالمين محمد
فسبحان من اسرى بعبده ثم مسجد
تحریرا فى شهر لسنه سبع و سبعين و سعمائه هجریه نبویه^۷

شکل 1 تصویر این کتیبه در قیل از مرمت و غیر قابل خواندن بودن آن و شکل 2 تصویر همان قسمت پس از مرمت آن است.



شکل 1: قسمتی از کتیبه قبل از مرمت (حمزوی، 1388)



شکل 2: همان قسمت از کتیبه پس از مرمت (حمزوی، 1388)

استاد محمد تقی دانش پژوه در مقاله ای با عنوان "قصیده شرف الدین بغدادی در کتیبه جامع یزد" به کتیبه مذکور اشاره می کند و می نویسد: «در تاریخ جدید یزد و جامع مفیدی ابیات (کتیبه مسجد جامع یزد) به سید حسن متکلم نیشابوری نسبت داده شده است، من هر چه گشتم این ابیات را در جایی نیافتم و دیوانی هم از حسن متکلم تاکنون ندیدم که آنها را در آن بیابم». او به وجود مجموعه ای در کتابخانه انجمن ایران و فرانسه در تهران مورخ به سال 857 اشاره می کند که ابیاتی چند در نیایش از پیامبر اسلام منسوب به شرف الدین بغدادی در آن هست و می نویسد: «گمان می کنم که کتیبه جامع یزد همین ابیات باشد و بتوان آنها را به روش کهن در آنجا بازنویسی کرد» اما اشاره می کند که آنچه از کتیبه بر جای مانده با بیت های منتسب به شرف الدین بغدادی در چند کلمه اختلاف دارد.^۸

در این مقاله سعی شده با بررسی ابیات باقی مانده از کتیبه تاریخی مذکور و بررسی متون کهن و دیوان شعرا، متن قصیده و شاعری که قصیده منتسب بدوست، مشخص گردد.

2- بحث و بررسی:

احمد بن حسین بن کاتب نویسنده کتاب تاریخ جدید یزد در قرن نهم این قصیده را منسوب به سید حسن متکلم می‌داند. «[امیر شمس الدین] در سال سبع و سبعین و سبعمائه از حال موقوفات این مسجد و دهلیز و گنبد خانه بساخت و قصیده سید حسن متکلم ثبت کرد، سلام کالالطاف آل الممجد»^۹. در صفحه 150 از همین کتاب نیز از ثبت این قصیده بر درگاه مقبره شیخ جمال الاسلام می‌نویسد و به مطلع قصیده اشاره می‌کند. همچنین در کتاب جامع مفیدی به وجود این قصیده در درگاه مقبره شیخ جمال الاسلام اشاره شده و «و درگاه ساخته و قصیده سید حسن متکلم را بر کتابه ثبت کرد و مطلع قصیده این است: سلام کالطاف اله الممجد»^{۱۰} در مطالعات انجام شده در بین شعرای حسن نام، از دوره پس از اسلام تا قرن هشتم که تاریخ نگارش کتیبه است، بررسی اشعار و زندگی دو شاعر از اهم موارد بود که در زیر به آنها اشاره می‌شود و به آنچه در مورد شرف الدین بغدادی محتمل است، نیز اشاره ای شده است.

تاج الدین حسن متکلم نیشابوری:

تاج الدین حسن مشهور به متکلم از ندمای سلطان غیاث الدین کرت بوده است. او از شعرای قرن هشتم است که «از شاگردان مولانا مظفر و مرد اهل فضل است و رساله ای در صنایع بدیع به نام ملک غیاث الدین نوشته است»^{۱۱} که این رساله با نام بحر الصنایع از نسخ خطی موجود در دانشگاه تهران است که آرایه‌های بدیعی را در منظومه ای توضیح می‌دهد و در آن اشعاری از شعرای دیگر هم دیده می‌شود^{۱۲}. محل تربیت و تحصیل حسن متکلم در هرات بوده است و در تاریخ 741 هجری به جوار حق پیوست و در حوالی مزار شیخ عطار در نیشابور مدفون است. همچنین دیوانی را با 4000 بیت منتسب به او می‌دانند ولی اطلاعاتی از این دیوان در حال حاضر در دست نیست. در کتب بررسی شده تنها تذکره ریاض الشعرا او را سید حسن متکلم نامیده است^{۱۳}.

سید حسن غزنوی:

«اشرف الدین ابو محمد حسن بن محمد الحسینی غزنوی مشهور به اشرف از فصحای اواسط قرن ششم هجری است»^{۱۴}. او از قصیده سرایان بزرگی است که دو ویژگی عمده قصایدش مدح و وصف است. سید حسن در عصر خود بسیار معروف بوده و آوازه شعر و شاعری او به همه جا و همه کس رسیده و در شعر دارای مقام بلند و در سبک کلام و شیرینی زبان و فصاحت و لفظ و بلاغت معنی استاد بوده است. خود او هم بلندای شعر و قوت طبع و سخنوری خویش در نظم فارسی و عربی معتقد است و به خود افتخار می‌کند^{۱۵}.

همچنین در ابتدای یکی از اشعارش اینچنین خود را معرفی می‌کند:

داند جهان که قره عین پیمبرم شایسته میوه دل زهرا و حیدرم^{۱۶}

همچنین در ادامه همین شعر می‌گوید:

ناورده ای برون چو منی در هزار سال
اینک تو ایدری فلکا و من ایدرم
در عهد من هر آنکه کند دعوی سخن
خشمش خدای اگر نشیند برابرم^{۱۷}

با توجه به شواهد، سید در دوره مسعود بن ابراهیم غزنوی (508-492) به شاعری اشتغال داشته و بعد از آن در عهد کمال الدوله شیرزاد و سلطان الدوله ارسلان هم گویا از شعرای درباری بوده پس از تاریخ 544 هجری به بغداد رفت مدتی در آنجا ماند. در آنجا به مدح ارکان سلاجقه در عراق و خراسان اشتغال داشت و از آنجا به مکه رفت. بعد از مدتی سکونت در بغداد از آنجا رهسپار غزنین شد و چون بولایت جوین رسید در قصبه آزادوار مریض شد^{۱۸}. و بر طبق تاریخی که ابوالحسن بیهقی ذکر کرده در سال 548 هجری درگذشت^{۱۹}.

سنایی غزنوی در کارنامه بلخ در مدح شعرای هم دوره خودش پس از ستایش محمد ناصر، به ستایش سید حسن پرداخته است که از شعرای نامی قرن ششم است و محتمل است همان سید حسن غزنوی باشد.

شاخ دیگر جمال دین حسنی آن چو نام خود از نکو سخنی
سیدی خوب روی و پاکیزه سخنش همچو غیب دوشیزه
قوت نظم و نثرش از نسب است زانکه از شاخ افصح العربست
هر کجا هست شاعر و علوی او چو صدر است و دیگران چو روی^{۲۰}

«دیوان وی (حسن غزنوی) به نام امیر محمود در میان سالهای 552 تا 557 ه.ق جمع شده

است و محمد تقی مدرس رضوی با مقدمه مفصلی چاپ کرده است»^{۲۱}

در دیوان سید حسن غزنوی قصیده ای عربی 55 بیت منسوب به او در مدح و ستایش پیامبر خداست، که قسمتی از این ابیات که منطبق بر ابیات کتیبه است به شرح زیر است.

س — سلام کالطاف الاله المجد	س — سلام کالطاف الاله المجد
سلام کتسلیم الحبيب الذی نای	سلام کتسلیم الحبيب الذی نای
سلام کمثل الصدغ یلهو به الصبا	سلام کمثل الصدغ یلهو به الصبا
سلام کالجان العنادل سحره	سلام کالجان العنادل سحره
علی من تلقی حکمه ای حکمه	علی من تلقی حکمه ای حکمه
علی من تحراه الخلائق اوجدت	علی من تحراه الخلائق اوجدت
علی من تمطی قاب قوسین بالاعلا	علی من تمطی قاب قوسین بالاعلا
علی من له عیسی بن مریم صاحب	علی من له عیسی بن مریم صاحب
امام جمیع المسلمین مطهر	امام جمیع المسلمین مطهر
فسبحان من اسری فاسری بعبده	فسبحان من اسری فاسری بعبده
س — سلام کاخلاق النبی المومید	س — سلام کاخلاق النبی المومید
زمانا فزار الصب من غیر موعد	زمانا فزار الصب من غیر موعد
علی صفحتی کافور خد مورد... ^{۲۲}	علی صفحتی کافور خد مورد... ^{۲۲}
یحاد بها سجع الحمام المغرد ^{۲۳}	یحاد بها سجع الحمام المغرد ^{۲۳}
علی من ترقی مصعدا ای مصعد	علی من ترقی مصعدا ای مصعد
و لو لم یکن ما کان شیء بموجد	و لو لم یکن ما کان شیء بموجد
فهاز باسهام العلی و التفرد	فهاز باسهام العلی و التفرد
علی من به موسی بن عمران مقید ^{۲۴}	علی من به موسی بن عمران مقید ^{۲۴}
رسول الله العالمین محمد ^{۲۵}	رسول الله العالمین محمد ^{۲۵}
و عرجه من مسجد ثم مسجد..... ^{۲۶}	و عرجه من مسجد ثم مسجد..... ^{۲۶}

شرف الدین بغدادی:

مشخص نیست که شرف الدین بغدادی کیست ولی آنچه محتمل است، در زیر آورده شده است.

مجد الدین ابوسعید شرف بن الموبد بن غالب بغدادی:

« پیشوای طریقت و شیخ صوفیه و در سخا و مروت یگانه روزگار بود و در زبان تازی و نحو و مخصوصا در طب و جز آن در رشته‌های دانش دست داشت. در خوارزم سال 544 هجری دیده به جهان گشاده و در آنجا پرورش یافته و در زمان پدرش در خدمت سلطان تکش بن ایل ارسلان بوده و پس از زیارت قبر شیخ سعید ابوالخیر بزهده و عبادت و تالیف کتاب پرداخت و در سال 607 هجری به شهادت رسید و پیکرش را به جیحون انداختند»^{۲۷}. به نظر می‌رسد او در دوره ای پس از سید حسن غزنوی می‌زیسته است ولی با توجه به اینکه دیوانی از شرف الدین بغدادی در دست نیست و در منابع دیگری بجز منبع اشاره شده توسط محمد تقی دانش پژوه، به این شعر و انتساب آن به بغدادی اشاره ای نشده است، پس به طور قطع نمی‌توان در مورد اینکه شرف الدین بغدادی کیست اظهار نظر کرد.

از مقایسه ترتیب نگارش اشعار منتسب به حسن غزنوی (که ابتدا ابیات "سلام" بر پیامبر و پس از اتمام آنها ابیات "علی" آورده شده اند) و قصیده منتسب به شرف الدین بغدادی، با ابیات باقی مانده از کتیبه تاریخی، مشخص می‌شود که ابیات باقی مانده موجود در کتیبه مسجد جامع به همان ترتیب نگارش قصیده حسن غزنوی نوشته شده است و همچنین بیت "سلام کتسلیم" در کتیبه که در قصیده سید حسن غزنوی هم هست در شعر منتسب به شرف الدین وجود ندارد و قصیده حسن غزنوی کامل تر است پس با توجه به شواهد می‌توان انتساب شعر کتیبه را به شرف الدین بغدادی، منتفی دانست.

از طرفی، در این که قصیده مسجد جامع یزد به سید حسن نامی منسوب است شکی نیست چون دو مورخ کتب تاریخ یزد و جامع مفیدی در قرن نهم به این مطلب اشاره کرده اند ولی در منسوب دانستن آن به متکلم با توجه به اینکه دیوان مدونی از حسن متکلم در دسترس نیست و نام شاعر کتیبه، روی آن نگاشته نشده است، مشکل به نظر می‌رسد. محتمل است، حسن متکلم را که از شعرای قرن هشتم هجری است و از نظر دوره‌ی زمانی به قرن نهم نزدیکتر بوده به دلیل مشابهت اسمی، انتخاب کرده باشند. همچنین در کتب تاریخی یزد موارد دیگری وجود دارد که در اشاره به نام اشخاص مرتکب خطا شده‌اند، همان طور که در کتاب معماری دوره آل مظفر به یک مورد از این موارد اشاره شده است:^{۲۸} در بررسی‌های تاریخی انجام شده به نظر می‌رسد که مورخین کتب تاریخی یزد عمدا یا سهوا در اشاره به نام اتابک یوسفشاه مرتکب خطا شده اند. زیرا یوسف شاه اتابک در سال 693 ه از کار برکنار شد^{۲۸}

در ادامه‌ی بررسی‌های انجام شده، مشخص گردید که حسن غزنوی به سید حسن معروف و ملقب به اشرف بوده و حسن متکلم مشهور به تاج الدین حسن متکلم نیشابوری و مولانا حسن بوده است. در میان کتب بررسی شده توسط نگارنده، تنها کتاب تذکره ریاض الشعراى واله داغستانی حسن متکلم را سید حسن نامیده است و در دیگر کتب مورد بررسی این عنوان را برای او به کار نبرده اند. از طرفی در انتساب بعضی از قصاید عربی توسط تقی الدین کاشانی به حسن متکلم، مانند قصیده‌ای با مطلع "سلام علی دار ام الکواعب" تردید وجود دارد زیرا لحن این قصاید وسبک آن را مغایر با لحن و سبک متکلم و آن را متعلق به قرن پنجم و ششم می‌دانند^{۲۹}. همچنین اشاره شد که سید حسن غزنوی از شعراىی بود که در سرودن اشعار عربی هم تبحر داشت. از طرفی اشعاری که در یک بنای تاریخی با اهمیت نوشته می‌شود قطعاً متعلق به فردی است که آوازه او در زمان خودش و پس از آن به شهرهای مختلف رسیده باشد که اشعار سید حسن غزنوی این خصوصیات را داشته است.

نتیجه گیری:

کتیبه‌ها نوشته‌های بناهای تاریخی هستند که بررسی دقیق آنها می‌تواند در نگارش دقیق تاریخ، رمز گشای نکات مبهم آن باشد. در این راستا قسمت‌های باقی مانده از قصیده‌ای در دهلیز شرقی مسجد جامع کبیر یزد انتخاب گردید با مطالعه کتب تاریخی و بررسی مقالات مشخص شد که محمد تقی دانش پژوه در مقاله‌ای آن را منسوب به شرف الدین بغدادی دانسته و دو کتاب تاریخی قرن نهم هجری با اشاره به مطلع قصیده آن را منتسب به سید حسن متکلم دانسته اند. محققینی چون دانش پژوه و ایرج افشار، اشاره کرده اند که در جایی انتساب این شعر به متکلم و دیوان او را ندیده اند و شاعر و شعر کامل این قصیده مشخص نیست. پس از بررسی جامع مشخص شد، این شعر قصیده‌ای است در مدح پیامبر اسلام و درمورد رد انتساب آن به حسن متکلم و شرف الدین بغدادی می‌توان چنین نوشت:

- 1- حسن غزنوی به سید حسن معروف است و حسن متکلم مشهور به تاج الدین حسن متکلم نیشابوری یا مولانا حسن می‌باشد و این اشتباه در انتساب آن به حسن متکلم می‌تواند ناشی از مشابهت اسمی افراد باشد. و در متن اشاره شد که در کتب تاریخی یزد موارد دیگری وجود دارد که نویسندگان این کتب در اشاره به نام شخصی مرتکب خطا شده اند
- 2- سید حسن غزنوی از شعراى مداح و مسلط به زبان عربی است.
- 3- با توجه به اینکه دیوان مدونی از حسن متکلم وجود ندارد و همچنین در انتساب برخی از قصاید عربی در تذکره‌ها به حسن متکلم تردید وجود دارد و به علت اینکه لحن و سبک آنها نزدیکتر به قصاید قرن پنجم است این احتمال، انتساب این قصیده عربی را به حسن غزنوی بیشتر تقویت می‌کند.

4- همچنین از مقایسه ترتیب نگارش ابیات قصیده منتسب به سید حسن غزنوی و همخوانی آنها با ابیات باقیمانده از کتیبه می‌توان عنوان کرد به طور مسلم شعر موجود در کتیبه تفاوت‌هایی با شعر منسوب به شرف الدین بغدادی دارد که احتمال انتساب آن را به بغدادی منتفی می‌کند.

یادداشت‌ها:

- 1- دانش یزدی، فاطمه، کتیبه‌های اسلامی شهر یزد، تهران: سبحان نور، 1387، ص 5.
- 2- خانی پور، رضا، «کتیبه و کتیبه نگاری»، کتاب ماه هنر، بهمن و اسفند 1383، ص 164-160.
- 3- شایسته فر، مهناز، «کتیبه های اسلامی»، کتاب ماه هنر، فروردین و اردیبهشت 1380، ص 73-68.
- 4- مصاحبی نایینی، محمد علی، مدینه الادب، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، 1376، ج 1، ص 300.
- 5- افشار، ایرج، یادگارهای یزد، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، 1374، ج 2، ص 116.
- 6- حمزوی، یاسر، «بررسی تزئینات کریاس شرقی مسجد جامع کبیر یزد با نگرشی ویژه بر کتیبه نقاشی»، کتاب ماه هنر، 1389، ص 74-68.
- 7- حمزوی، یاسر، گزارش پروژه مرمت کتیبه نقاشی هشتی ضلع شرقی مسجد جامع کبیر یزد (منتشر نشده)، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد، 1388، ص 13.
- 8- دانش پژوه، محمد تقی، «قصیده شرف‌الدین بغدادی در کتیبه جامع یزد»، راهنمای کتاب، 1355، ج 19، ص 692-695.

ابیات منتسب به شرف الدین بغدادی است در مقاله دانش پژوه به شرح زیر است:

من القصیده الشرفیه فی نعت نبینا محمد علیه السلام للمولی شرف الدین البغدادی

سلام	كالطاف الاله الممجد
سلام	كاخلاق النبی الممؤید
علی من له الاقبال و المجد و العلی	علی من له فیض النوال من الید
سلام كمسك الصدغ یلهو به الصبا	علی صفحتی كافور خد مورد
علی من توطی قاب قوسین بل علا	و لو یکن ما كان شیء بموجد
سلام به فی لیله القدر انزلت ملائکته و الروح فیها الی الغد	
علی من له عیسی بن مریم حاجب علی من له موسی بن عمران مقتد	
سلام كالحن العنادل سحره	یجاویها سجع الحمام المغرد
علی من تصدی منصباً ای منصب	علی من تولی سودداً ای سودد

- سلام کازهار الرياض مفتقاً من اكمام نبت بين و هدو انجد
على تلقى حكمه اى حكمه على من ترقى مصعداً اى مصعد
امام جميع العالمين مطهر رسول اله العالمين محمد
تجلى كلام اله فى قبله الذى هو البحر ملا الدر ملا الزبرجد
لقد شق قرص البدر عنه امتحانه بايمائه مثل الرغيف المثرد
فسبحان من اسرى فاسرى بعبده و عرجه من مسجد ثم مسجد
ايا سيد العباد يا من تورمت له قد ماه من دوام التهججد
هو قصر كسرى و انطفت نارشر كههم لميلاده الميمون فى خير مولد
و لولاك يا بحر العلوم لما استوت سفينه نوح بين موج مبعد
فلولاك ما جاد الزمان بمكرم و لولاك ما فاز الانام بمشرد
ايا خاتماً للرسل كنت نبينا و آدم ملقى بين ماء و جلمد
و لولاك فى صلب الخليل لما انطقت على جسمه نار و قيل لها ابرد
و لو لم تكن ما احدوب الشفرة التى امرت على حلق الذبيح و ما فدى
الا ايها الاحباب صلوا و سلموا على من به فزتم بخلد مخلد
و صلوا على اصحابه انجم الهدى بايهم من يقتدى فهو يهتدى
9- كاتب، احمد بن حسين بن على، تاريخ جديد يزد، به كوشش ابرج افشار، تهران: اميركبير، 1386، ص 106.
- 10- مستوفى باقى، محمد مفيد، جامع مفيدى، تهران: اساطير، 1384، ج 3، ص 623.
- 11- سمرقندى، دولتشاه، تذكرة الشعراء، به همت محمد رمضانى، تهران: پديده خاور، 1366، ص 200.
- 12- شكيافى، يدالله، «ديع منظوم»، آيينه ميراث، بهار و تابستان 1389، ص 144-131.
- 13- واله داغستانى، عليقى، تذكرة رياض الشعراء، به همت محسن ناجى نصرآبادى، تهران: اساطير، 1384، ص 558.
- 14- صفا، ذبيح الله، تاريخ ادبيات در ايران، تهران: ابن سينا، 1347، ج 2، ص 586.
- 15- هدايت، رضا قلى خان، مجمع الفصحاء، به كوشش مظاهر مصفا، تهران: امير كبير، 1336، ص 530.
- 16- غزنوى، سيد حسن، مجموعه دواوين (سيد حسن غزنوى، مختارى غزنوى، ابوالفرج رونى، قائم مقام فرهانى)، نسخه خطى كتابخانه مجلس شوراى اسلامى، شماره نسخه 50820، ص 1 و 3.
- 17- همان.
- 18- صفا، همان، ج 2، ص 589.
- 19- تهرانى، آقابزرگ، الذريعة الى تصانيف الشيعة، تهران: چاپخانه مجلس، 1373، ج 9/1، ص 244.

20- سنایی غزنوی، مثنوی‌های حکیم سنایی، مصحح مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران، 1348، ص 160.

21- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ذیل واژه حسن غزنوی، 1338.

22- دو بیت در دیوان حسن غزنوی در ادامه ذکر شده که در کتیبه نیست:

سلام کما التسیم تنفسا با سرار ورد و هو متبسم ندی
سلام کطل صار عین نرجس معطر ما بین الجفون منهد

23- چهار بیت در دیوان حسن غزنوی در ادامه ذکر شده که در کتیبه نیست:

سلام کما قارس فی دویقیه؟ لدی القاع یشفی علۀ الکبد الصدی
سلام به فی لیلة القدر تنزل الملائکة و الروح فیها الی الغد
سلام کانفاسی اذا کنت ناطقا به مدح رسول الله جدی و سیدی
علی من تصدی منصبا ای منصب علی من تولی سوددا ای سودد

24- بیت زیر، بعد از این بیت وجود دارد که در کتیبه نیست:

علی من به عین القلوب تنبهت فنام بعین الله فی خیر مرقد

25- چهارده بیت پس از این بیت در کتاب دیوان سید حسن غزنوی آمده است که در کتیبه نیست.

26- غزنوی، حسن، دیوان سید حسن غزنوی، تصحیح مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران، 1362، ص

352.

27- عوفی، محمد، لباب الالباب، تصحیح سعید نفیسی، تهران: محمد علی علمی، 1335، ص دو.

28- خادمزاده، محمد حسن، معماری دوره آل مظفر (ایلخانی و تیموری)، تهران: هم پا، 1387، ص 89.

29- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات، تهران: دانشگاه تهران، 2535، ج 3، بخش دوم، ص 845؛ در مجمع

الفصحا تالیف رضا قلی خان هدایت نیز قصیده سلام علی دار ام الکواعب به حسن متکلم منسب شده است.

هدایت، رضا قلی خان، مجمع الفصحا، به کوشش مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر، 1339.

